

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جنوری ۲۰۱۸

## "فئودالیزم سیاسی" بدیل "فدرالیزم"؟؟؟!!

۲

چهارشنبه- ۱۳ جدی ۱۳۹۶- کابل: در قسمت قبلی نوشته از تمرد "عطاء" و تقابل قومندان "رازق" یادآوری نمودم، اگر این قوه فرار از مرکز را با فیصله های شورای مشرقی در حمایت از "عطاء" کنار هم بگذاریم و آن را جمع ۱۲ والی که به گفته "حفیظ منصور" جمعیتی اند و منتظر فرمان "جمعیت اسلامی" و با بین ۷۰ الی ۸۰ در صد نیروهای امنیتی دولت دست نشانده که باز هم بنا به ادعای "حفیظ منصور" بی ارتباط با "جمعیت اسلامی" نیستند، جمع نمائیم، متوجه می شویم، که سنگی که "باندارگ" جهت مقابله با به اصطلاح، فدرالیزم برداشته، روی پای خودشان افتاده است. همه می دانیم وقتی "باندارگ" کنونی بعد از اختلافات درونی و تقلب در انتخابات تقلبی شکل گرفت، از طرف بخش از آن باند یعنی "غنی-اتمر" خلاف جناح مقابل "عبدالله-محقق" که خواستار تشکیل فدرالیزم در افغانستان بودند، بزرگترین هدف خنثا ساختن تمام تلاش های فدرالیست ها به هر قیمتی بود.

"غنی" که من آگاهانه وی را در نوشته هایم "مغز متعفن" نام برده ام، این نکته را نمی خواست بداند و تا هنوز هم نمی خواهد بداند، که برای انجام یک کار خوب، می باید وسیله خوب و مثبت نیز به کار برد، در غیر آن همان قضیه لواط دادن، و مسجد آباد کردن است که به گفته ملای ده، ثواب آن به گناهش، کون پارگی برای لواط دهنده می ماند.

این که نظام سیاسی در افغانستان چه نوع باید باشد، به تنهایی نه منوط به "غنی-اتمر" است و نه هم منوط به "عبدالله-محقق". این قضیه، قضیه ایست مربوط به تمام مردم افغانستان. طرح آنهم زمانی می تواند منطبق خاص خود را داشته باشد که مردم با آگاهی کامل و بعد از بررسی های همه جانبه نکات مثبت و منفی آن، در فضای آزاد و دموکراتیک، به دور از فشار تعیین کننده اشغالگران و تقلب های نواله خوارانش و به همان سان مزدور منشی این و یا آن نیرو به دشمنان دور و نزدیک میهن، در مورد آن تصمیم بگیرد، امری که در شرایط فعلی با ساختار اقتصادی اجتماعی حاکم در افغانستان مستعمره- نیمه فئودالی هیچ یک از پیش شرط های رفتن پای بحث آن وجود نداشته، پرداختن به آن چیزی به جز خود را مسخره ساختن نیست.

"باندارگ" که خوب می داند، همان طوری که فضاء برای طرح چنین بحث های آماده نیست، ارگ فاقد آن مکانیزم هائیکست که بتواند علیه آن مبارزه کند، چون اراده و ظرفیت پرداختن به بحث اقتاعی را برای طرف مقابل ندارد، ماشین توطئه را به کار انداخته، برای زدن یکی خود را در عقب سوراخ "ایشچی" مخفی می دارد و برای زدن دیگری به

ورق پاره فرسوده و تاریخزده استعفاء، کشور را آگاهانه در مسیری قرار می دهد، که به جای جلوگیری از "فدرالیزم"، عملاً فئودالیزم سیاسی را که ما در گذشته ها به آن ملوک الطوائفی می گفتیم، حاکم می سازد. نظامی که اگر با شیوه های درست به مقابله با آن پرداخته نشود، می تواند حتا از فدرالیزم نیز عبور نموده و سنگ بنای تجزیه کشور را بریزد.

ناگفته نماند در تمام این زدو بند های موجود بین نیروهای درگیر در سرنوشت کشور ما، حمایت شورای مشرقی و قومندان "رازق" از "عطاء" که در عمل مرز های قومی و سمتی را می شکند، با آن که با انگیزه های ارتجاعی صورت می گیرد، نوید بخش آن است که اگر قضایا بر همین منوال تکامل یابد، "باندارگ" در تطبیق برنامه اشغالگران مبتنی بر تجزیه افغانستان توفیق نخواهد یافت.

**ندیده شود چه می شود!!**